

غذاهای رایج در زبان مطبوعات

○ دکتر حسن ذوالفقاری

عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی

زبان مطبوعات در صورتی که خالی از هرگونه ایراد و اشکال منطقی، زبانی، بیانی و بلاغی باشد، می‌تواند یکی از مصادیق «زبان معیار» تلقی شود. اما متأسفانه در حال حاضر چنین نیست و رسانه‌های جمعی و مطبوعات ما با مشکلات عدیده زبانی مواجه هستند.

دکتر حسن ذوالفقاری، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی و هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در پژوهشی با عنوان «الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات» (به سفارش دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها) به آسیب‌شناسی زبان مطبوعات پرداخته و راه‌های پرهیز از کاربرد الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات را پیشنهاد کرده است. با توجه به ضرورت و اهمیت اصلاح زبان رسانه‌ها و مطبوعات و نقش آن در آموزش و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های فعلی و آینده، بخش‌هایی از این پژوهش این‌جا از نظر تان می‌گذرد.



مقدمه

زبان مطبوعات امروزه بر اثر عوامل مختلف دچار آسیب‌های جدی شده است که در لزوم

رفع آن‌ها هیچ تردیدی نیست و البته این آسیب‌ها قابل کنترل و پیشگیری است. این اشکالات عمدتاً از ناآگاهی و آموزش ندیدگی پدیدآورندگان متون مطبوعاتی و یا بی‌توجهی مسئولان نسبت به این موضوع ناشی می‌شود. با گسترش کمی نشریات و فرصت اندک برای بازبینی، ویرایش و اصلاح نوشته‌ها، روزانه تعداد زیادی از ساختارهای زبانی غیرمعیار ترویج می‌شود و تأثیر نامطلوبی بر فرهنگ نوشتاری مردم می‌گذارد. از سوی دیگر بسیاری از مردم از میان مطالب مکتوب مختلف، تنها به خواندن نشریات (و آن هم اغلب نشریه‌ای خاص) اکتفا می‌کنند و نثر مطبوعات، خواه ناخواه بر چگونگی به‌کارگیری زبان یا مهارت نوشتن آنان مؤثر واقع می‌شود. از طرفی غیرمعیارهای زبان مطبوعات، حتی بر شکل‌های به‌کارگیری زبان یا مهارت نوشتن آنان تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که در موارد بسیاری نیز غیرمعیارهای زبان مطبوعات، به شکل‌های مختلف گونه‌های دیگر زبانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شناسایی و بررسی این غیرمعیارها و پیشنهاد راه‌هایی برای رفع آن‌ها می‌تواند گام مهمی در مسیر حرکت به سوی درست‌نویسی و پیراستن زبان از اشکالات مختلف به شمار آید. با درک این ضرورت بود که در پژوهش حاضر ۱۲ هزار و ۳۲۰ جمله از ۲۲ نشریه انتخاب گردید. از میان نشریات سراسری ۶۷۲۰ جمله انتخاب شد... از هر مجله

به طور مساوی ۵۶۰ جمله در هشت گروه موضوعی شامل: اجتماعی ۱۳۰۹ جمله، ورزشی ۲۲۶۲ جمله، فرهنگی ۱۶۶۲ جمله، دینی ۶۴۷ جمله، سیاسی ۱۴۵۵ جمله، حوادث ۱۰۱۱ جمله، اقتصادی ۵۰۵ جمله و علمی ۱۱۶۹ جمله انتخاب گردید.

از میان قالب‌ها نیز چهار قالب خبر ۳۹۳۸ جمله، گزارش ۳۴۹۹ جمله، مصاحبه ۹۴۰ جمله و مقاله ۳۹۴۳ جمله انتخاب گردید تا در سه حوزه اساسی ویرایش بررسی شود. این سه حوزه عبارت‌اند از:

فنی: شامل رسم‌الخط و املاهای فارسی، نشانه‌گذاری، صفحه‌بندی، عنوان‌بندی و پاراگراف‌بندی؛ زبانی: شامل رعایت نکردن تطابق فعل و فاعل در افراد و جمع، به کار بردن شکل مجهول فعل به جای معلوم، آوردن صفات نامتناسب با موصوف، به کار بردن فعل‌های مرکب به جای بسیط، به کار بردن اسم مفعول به جای فعل شخصی، حذف بی‌جای فعل، کاربرد فعل حال به جای گذشته؛ بلاغی: شامل کاربرد بیش از حد کلمات مترادف، درازگویی و حشو.

تعدادی از غیرمعیارها به دلیل رواج فراوان و حتی تبدیل شدن به عرف در مطبوعات، از حوزه این پژوهش خارج شد؛ برای مثال: در بیشتر و شاید تمام روزنامه‌ها از تنوین، تشدید، همزه، کسره و به‌طور کلی همه مصوت‌های کوتاه و نیز برخی از علائم نشانه‌گذاری مانند قلاب، ستاره و گیومه به ندرت استفاده می‌شود. در بخش رسم‌الخط، شیوه خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان فارسی را مبنا قرار دادیم. به دلیل نبود قواعد یکسان در برخی موارد یا مجوزهای دوگانه برای برخی کاربردها نظیر جدا یا سرهم نوشتن‌های جمع و بای میانجی، این موارد از فهرست اشکالات خارج گردید.

در هر حال کوشیده‌ایم در ثبت غیرمعیارها به‌خصوص در حوزه‌های زبانی و بلاغی، از دخالت ذوق و سلیقه شخصی پرهیز کنیم و در عوض به مشترکات و اشکالات کاملاً روشن بپردازیم. با این همه ممکن است هنوز هم هر ویراستاری بتواند جملات اصلاح شده را به زعم خود بار دیگر ویرایش کند.

کلیدواژه‌ها: زبان، زبان مطبوعات، زبان معیار، رسانه، ویرایش

○ زبان معیار چیست؟

۱. زبان معیار زبان تحصیل‌کردگان و زبان آموزشی در مدارس و دانشگاه‌هاست.

۲. زبان معیار وسیله ارتباطی میان افرادی است که در سایر وضعیت‌ها، به لهجه‌های محلی و اجتماعی خود سخن می‌گویند.

۳. زبان معیار نقش وحدت‌دهندگی، اعتباردهندگی و مرجعیت دارد.

○ منابع معیارسازی عبارت‌اند از:

۱. زبان کهن فارسی براساس آثار معتبر؛
۲. مراجع علمی و دانشگاهی خصوصاً فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛

۳. زبان گفتار و نوشتار امروز طبقه تحصیل‌کرده جامعه؛

۴. نثرهای معاصر از استادان برجسته زبان فارسی که ملاک و معیار نثر فصیح امروزی است؛

۵. کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌هایی که در زمینه درست‌نویسی نگاشته و قبول عامل یافته است.

○ آنچه زبان را از معیار دور می‌سازد عبارت است از:

۱. عناصر زبانی متروک و مهجور در سطوح آوایی، صرفی، نحوی و معنایی و عناصر قاموسی و دستوری؛

۲. اصرار در سرهنویسی، عربی‌مآبی و عامیانه‌گرایی که ضعف و

ناتوانی زبان را در پی دارند؛

۳. گرت‌برداری از زبان‌های بیگانه از طریق ترجمه، تبلیغات و رسانه‌ها؛

۴. کاربرد عناصر زبان محلی و محاوره‌ای و اصرار و افراط در آن؛

۵. استفاده غیرضروری از عناصر ادبی و فرا زبانی؛

۶. کاربرد گونه‌های صنفی و سبک‌های اجتماعی در موارد

غیرضروری آن‌هم بدون تمایز و توضیح؛

۷. شکسته‌نویسی در موارد غیرضروری.

زبان معیار براساس کاربرد آن می‌توان گونه‌های آموزشی، علمی، مطبوعاتی، کودکانه و اداری داشته باشد که البته لازم است اصول

سلبی و ایجابی یادشده را نیز دارا باشد.

○ مطبوعات و زبان

پیدایش وسایل ارتباطی و رسانه‌های جمعی، زندگی انسان معاصر را با زندگی مردمان دوره‌های پیش سخت متفاوت کرده است. پیدایش این وسایل تنها یک گام عملی نبوده بلکه در زمینه‌های نظری نیز همگام یا مقدم بر آن‌ها، پیشرفت‌های شگرفی حاصل شده است [باطنی، ۱۳۷۰: ۱۱۹]. در دوران معاصر به‌ویژه در کشور ما رسانه‌های همگانی از جمله مطبوعات نقش عمده‌ای در گفت و شنود ملی داشته و لاجرم تأثیر گسترده‌ای بر سرنوشت زبان گذاشته‌اند. کلام، عمده‌ترین ابزار این رسانه‌هاست که هرروزه با توده عظیمی از مردم سخن می‌گویند. با توجه به این واقعیت که شمار کم سوادان کشور ما بسیار است و در نظام آموزشی ما، آموزش زبان فارسی به نحو ناقصی صورت می‌گیرد و دانش‌آموختگان، زبان فارسی را خوب نمی‌آموزند و چندان مهارتی در به‌کارگیری آن کسب نمی‌کنند، کیفیت زبان رسانه‌های همگانی آنان را به سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد و خواه ناخواه به الگوبرداری و پیروی وا می‌دارد [ایرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۷].

کاسته شدن از
گوناگونی‌ها و تفاوت‌های
زبان اعضای یک جامعه زبانی
از طریق رسانه‌ها، می‌تواند به
روندی منجر شود که وحدت
زبانی نامیده می‌شود

مقایسه نیست [ملکان، ۱۳۶۵: ۴۷]. میزان نفوذ وسایل ارتباط جمعی و گستردگی آن‌ها باعث شده است تا مفهومی به نام فرهنگ جمعی پدید آید که عناصر مختلف آن به‌ویژه زبان، تحت تأثیر مستقیم رسانه‌ها قرار دارند. اگر سیاست فرهنگی و راهبرد آموزشی مشخصی وجود داشته باشد، رسانه‌ها نه‌تنها می‌توانند در باروری فرهنگ جمعی نقش اساسی داشته باشند، بلکه به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌توانند بسیاری از کمبودها را نیز جبران کنند و بر مشکلاتی چون کمبود فضای آموزشی، کمبود علم، دشوار بودن دسترسی به نقاط دورافتاده و... فائق آیند [حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۰۴].

با توجه به آن‌چه گذشت، درباره نقش مهم رسانه‌ها در تأثیرگذاری بر زبان تردیدی نیست، اما به‌نظر می‌رسد در کشور ما رسانه‌ای چون مطبوعات، تاکنون از مهم‌ترین ابزار خود یعنی زبان به‌خوبی استفاده نکرده‌اند. صاحب‌نظران بر آن‌اند که مشکلات و موانعی در کار رسانه‌ها وجود دارد و تا زمانی که این مشکلات برطرف نشود نمی‌توان در این زمینه به افق‌های روشنی امیدوار بود.

○ انتقاد از زبان رسانه‌ها

برخی از انتقادهایی که از زبان رسانه‌ها می‌شود چنین است:

۱. رسانه‌ها به طرف تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است. ما از یک سو به ادبا و شعرا و زبانمان

به‌نظر می‌رسد نقش رسانه‌های جمعی ایران در سلامت زبان فارسی مهم‌تر و مؤثرتر از نقشی است که رسانه‌های همگانی کشورهای پیشرفته در سلامت زبان ملی خود دارند؛ زیرا در آن کشورها نظام آموزشی زبان را تا آن حد به مردم می‌آموزد و در به‌کارگیری آن ماهر می‌سازد که در برابر غلط‌ها و کج سلیقه‌های احتمالی رسانه‌های جمعی ایمنی نسبی کسب کنند، حال آن‌که در کشور ما چنین نیست و غلط‌ها و کج سلیقه‌های زبانی رسانه‌های جمعی به سرعت در میان مردم رایج می‌شود و زبان را آلوده و بیمار می‌سازد [همان: ۱۶۷].

این‌که رسانه‌ها سبب آسان‌تر شدن ارتباطات درون جوامع و ارتباطات بین جوامع می‌شوند، آثار زبانی دیگری را نیز - علاوه بر آن‌چه گفته شد - در پی دارد؛ مثلاً باعث زوال زبان‌های غیررسمی و گویش‌های محلی یک کشور می‌شود و گسترش و یکپارچگی زبانی را پدید می‌آورد. هم‌چنین باعث شیوع یک الگوی زبانی در طبقات مختلف جامعه می‌شود؛ یعنی افراد طبقه پایین تحت تأثیر رسانه‌ها از رفتار زبانی طبقات بالای جامعه تقلید می‌کنند. طبقات بالاتر به نوبه خود گرایش‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند و صورت‌های زبانی دیگری را به‌کار می‌گیرند، ولی در درازمدت ممکن است گوناگونی و تنوعات یک جامعه زبانی به تدریج از میان برود [مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۵۷].

کاسته شدن از گوناگونی‌ها و تفاوت‌های زبان اعضای یک جامعه زبانی از طریق رسانه‌ها، می‌تواند به روندی منجر شود که وحدت زبانی نامیده می‌شود. زبان مشترک گاهی در وحدت یک گروه مؤثرتر از سایر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. زبان می‌تواند عامل بسیار مهمی در همانندی گروهی، همبستگی گروهی و علامت‌رسانی تفاوت باشد [ترادگیل، ۱۳۷۶: ۳۱].

اما مهم‌ترین نقش رسانه‌هایی چون مطبوعات، نقش آموزشی است. با توجه به نقش فراگیر رسانه‌ها، میزان آن‌چه از طریق مراجع رسمی آموخته می‌شود، با میزان تأثیرپذیری از رسانه‌ها اصلاً قابل

افتخار می‌کنیم و زبان فارسی را از شیرین‌ترین زبان‌ها می‌دانیم و از سوی دیگر، می‌بینیم که رسانه‌ها به سوی تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است. زبان رسانه‌های ما به‌طور اعم، زبانی است که در حالت شتابزدگی و بی‌توجهی به قواعد «ساخته» می‌شود و مطالب علمی آن در بهترین شرایط، محصول ترجمه مکانیکی است یا حتی در صورتی که تألیف باشد، چنان تحت تأثیر اشتباهات رایج است که اگر از نظر دستوری هم غلط فاحش نداشته باشد، عبارات آن به کلی بی‌معناست [حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۱۳]

۲. زبان رسانه‌ها پر از غلط‌های آشکار است. روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون ما با آن که به خوبی از نقش خود در سلامت زبان فارسی باخبرند، زبانی که اختیار کرده‌اند پر از غلط‌های آشکار است و با آن که گاه مطالبی می‌نویسند و می‌گویند- که حاکی از آگاهی و حس مسئولیت است- معلوم نیست که چرا به درمان این درد نمی‌پردازند [ایرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۸].

۳. زبان رسانه‌ها ابهام و نارسایی دارد. زبان فارسی رسانه‌ها به دلیل موضع انفعالی‌اش در مقابل زبان‌های انگلیسی و عربی و فرانسوی و نیاز به سرعت در ترجمه اخبار و علوم و... به سوی ابهام کشانده شده است [صفوی، ۱۳۷۷: ۵۵].

صاحب‌نظرانی که خود از نزدیک با فعالیت‌های رسانه‌ای سر و کار دارند، معتقدند: «این واقعیتی است که ما اکنون هیچ وسیله و صافی مؤثری برای تصفیه زبان رسانه‌های گروهی نداریم. از طرفی، زبان رسانه‌های این جامعه زبان خود جامعه است، نویسندگان رسانه‌ها از همین جامعه آمده‌اند و در همین جامعه درس خوانده‌اند، از دبستان و دبیرستان و دانشگاه عبور کرده‌اند، مقاطع متعدد نظام آموزشی را پشت‌سر گذاشته‌اند و ما امروز قلم به دستشان داده‌ایم یا آن‌ها خود قلم به دست گرفته‌اند و می‌نویسند» [فیروزان، ۱۳۷۴: ۱۴۲].

یکی از مشکلات زبان رسانه‌ها نیز به سازمان‌دهی و گردش کار و مدیریت آن‌ها مربوط است. در آموزش‌های رسمی چند عنصر مشخص مثل سازمان‌دهی متن و ارزشیابی (ولو ناقص) وجود دارد، ولی در رسانه‌های همگانی نشانی از این همه عوامل یا برخی از آن‌ها در میان نیست. رسانه‌های ما، به‌ویژه بخش علمی آن‌ها در بیشتر موارد از یک سیاست مشخص و تدوین شده پیروی نمی‌کنند. این ناهماهنگی در مطبوعات و رسانه‌های مختلف شدت و ضعف دارد و در هر صورت ناشی از اصول حاکم بر فعالیت آن‌ها یعنی فرهنگ، سنت‌ها و آرمان‌های اجتماعی است [حیدرزاده، ۱۳۶۵: ۵۰۷].

امروزه گردش کار بیشتر مطبوعات بر پایهٔ آزمون و خطاست. اشتغال مداوم به ترجمه، ویرایش یا تولید نوشته‌ها و متون علمی عمومی، بدون آموزش مستمر، آگاهی نویسندگان را به سرعت به سطح همان موضوعات علمی عمومی تنزل می‌دهد و علاوه بر این، بی‌رغبتی این رسانه‌ها به سرمایه‌گذاری در راه تحقیق و یافتن روش‌های جدید اطلاع‌رسانی و انطباق آن‌ها با نیازهای داخلی، استفادهٔ مطلوب از رسانه‌ها را روز به روز کاهش می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از این رسانه‌ها به راحتی می‌توانند برای آموزش افراد خود سرمایه‌گذاری کنند [همان: ۵۱۱].

مهم‌ترین غیرمعیارها در زبان مطبوعات

غیرمعیارهای زبان مطبوعات را می‌توان در سه حوزهٔ ویرایش فنی، ویرایش زبانی و ویرایش بلاغی بررسی کرد.

ویرایش فنی

حوزهٔ ویرایش فنی ناظر بر نشانه‌گذاری، املا، نادرست، غلط تایپی، رسم‌الخط و عددنویسی است.

۱. نشانه‌گذاری

نشانه‌گذاری (سجاولندی، نقطه‌گذاری) به کار بردن علامت‌ها و نشانه‌هایی است که خواندن و در نتیجه فهم مطلب را آسان و به رفع برخی از ابهام‌ها کمک می‌کند.

از میان یازده نشانهٔ پربسامد زبان فارسی، در مطبوعات معمولاً به ترتیب کاربرد، نشانه‌های نقطه، ویرگول و نقطه ویرگول بیشترین کاربرد درست و نادرست (به صورت‌های کاربرد نابه‌جا و زائد یا عدم کاربرد) را دارند و از هشت نشانهٔ دیگر یا به‌طور محدود استفاده شده یا اصلاً استفاده نشده است (مثل قلاب یا علامت سؤال).

از مجموع ۱۵۵۲۸ اشکال، اشکالات رسم‌الخطی ۹۳۱ مورد یعنی

۶ درصد کل اشکالات و ۶/۱۳ درصد از کل اشکالات فنی است. عمده‌ترین مصداق‌های غیرمعیارها در حوزهٔ رسم‌الخط، پیوسته‌نویسی کلمات طولانی، کاربرد نادرست همزه، پیوسته نوشتن ب و... است. در زبان فارسی به دلایل زیر برخی شکل‌های نادرست املائی دیده می‌شود؛ از جمله:

- وجود صداهایی که صورت‌های نوشتاری متفاوت دارند، مانند صدای Z که چهار معادل خطی (ز، ذ، ض، ظ) دارد؛

- گونه‌های مختلف نوشتاری یک حرف در آغاز، میانه و پایان کلمه؛

- شکل‌های مختلف نگارشی کلمات بیگانه در زبان فارسی؛

- تلفظ‌های مختلف برای کلمه‌ای واحد در لهجه‌های مختلف؛

- یکسان نبودن گفتار و نوشتار در کلماتی مثل خواندن.

در مطبوعات بررسی شده در حوزهٔ ویرایش فنی تنها ۱۵ مورد اشکال در مقولهٔ املائی نادرست دیده می‌شود که به‌دلیل کم بودن تعداد، قابل تحلیل نیست؛ اما می‌توان گفت بیشترین این اشکالات از منطبق نبودن صورت مکتوب و ملفوظ کلمات ناشی می‌شود.

۳. املائی نادرست

۴. عددنویسی

۵. غلط تایپی

۶. جمع‌بندی و ویرایش فنی

در حوزهٔ ویرایش فنی، از مجموع ۵۰۷۱ مورد اشکال در مقوله‌های نشانه‌گذاری، رسم‌الخط، غلط تایپی، عددنویسی و املائی نادرست، نشریات «رسالت» و «طاق بستان» به ترتیب با تعداد ۳۶۴ و ۳۳۱ مورد و نشریات «امین» و «خبر جنوب» به ترتیب با تعداد ۱۲۶ و ۱۷۷ مورد اشکال، دارای بیشترین و کمترین اشکالات هستند.

در حوزهٔ ویرایش فنی، از مجموع اشکالات مقوله‌های نشانه‌گذاری، رسم‌الخط، غلط تایپی، عددنویسی و املائی نادرست، موضوعات اقتصادی و ورزشی دارای بیشترین و کمترین اشکالات هستند.

فعل از مهم‌ترین ارکان جمله است. هرگونه اشکالی در کاربرد افعال، علاوه بر آن که ممکن است موجب تغییر معنای جمله یا ابهام آن شود، بر ساختمان نحوی جمله نیز تأثیر می‌گذارد

ویرایش زبانی

در این حوزه از میان ۴۰ مورد غیرمعیارهای زبانی در طرح اولیه در سه حوزه اسم و فعل و حرف، ۲۳ مورد انتخاب شد؛ زیرا میزان اشکالات در بقیه موارد قابل اعتنا نبود.

۱. اشکالات مربوط به کاربرد فعل

فعل از مهم‌ترین ارکان جمله است. هرگونه اشکالی در کاربرد افعال، علاوه بر آن که ممکن است موجب تغییر معنای جمله یا ابهام آن شود، بر ساختمان نحوی جمله نیز تأثیر می‌گذارد. رایج‌ترین اشکالاتی که در کاربرد فعل در زبان مطبوعات دیده می‌شود شامل موارد زیر است:

۱.۱. ناهماهنگی نهاد و فعل. فعل باید از نظر جمع و مفرد بودن با فاعل خود مطابقت داشته باشد. اشکال در تطابق فعل و فاعل از نظر مفرد و جمع بودن در زبان مطبوعات معمولاً وقتی پیش می‌آید که با برخی از اسم‌های جمع سر و کار داریم.

۱.۲. حذف بی‌قرینة فعل. این اشکال دستوری و نحوی ریشه در زبان اداری دارد و به ویژه در مکاتبات اداری میان سازمان‌های نظامی بسیار دیده می‌شود. دلیل آن هم ظاهراً رعایت اختصار و کوتاهی است.

مثال:

نادرست: لایحه... در جلسه امروز شورای نگهبان مطرح و مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

درست: لایحه... در جلسه امروز شورای نگهبان مطرح شد و مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱.۳. زمان نامناسب فعل. این اشکال چنان که از عنوانش پیداست زمانی بروز می‌کند که گونه‌ای از فعل برای جمله به کار رود که زمان آن با زمان جمله متفاوت است. این مورد اغلب در فعل‌های خاصی چون «بایستن» رخ می‌دهد.

«نیروهای پاسدار صلح می‌بایست حداکثر تا دو ماه آینده در این مناطق مستقر شوند.»

«نیروهای پاسدار صلح باید حداکثر تا دو ماه آینده در این مناطق مستقر شوند.»

۱.۴. مجهول نامناسب. در زبان فارسی، استفاده از فعل مجهول زمانی لازم است که نخواهیم از فاعل اصلی جمله یاد کنیم. در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسه، صیغه مجهول فعل کاربرد گسترده‌ای دارد و این کاربرد، از طریق ترجمه به زبان فارسی هم وارد شده و عمومیت یافته است. در بسیاری از جمله‌های مطبوعات، با آن که فاعل و عامل اصلی جمله مشخص است و به صراحت در جمله ذکر شده است، فعل به صورت مجهول می‌آید:

«از این میزان ۸۵ میلیارد ریال آن، سود و متفرعات وام است که به گفته قائمیان اگر پرداخت شود، دیرکرد پول آن‌ها از سوی بانک بخشوده می‌شود.»

در جمله فوق، «بانک» فاعل جمله است و نیازی نیست که فعل به صورت مجهول بیاید. بنابراین شکل صحیح این جمله چنین خواهد بود: «... اگر پرداخت شود، بانک دیرکرد بدهی آن‌ها را می‌بخشد.»

در کنار کاربرد فعل مجهول، برخی از کلمات و عبارات کلیشه‌ای هم در زبان فارسی رواج یافته‌اند که در زبان مطبوعات با بسامد بالایی دیده می‌شوند. عبارت‌های «از سوی»، «توسط»، «به‌وسیله» و... و نیز ساختار «مورد... قرار گرفتن» همگی مربوط به کاربرد صیغه مجهول فعل هستند:

نادرست: ۹۲ هزار زائر و مسافر نوروزی توسط آموزش و پرورش

اسکان داده شدند.

درست: آموزش و پرورش، ۹۲ هزار زائر و مسافر نوروزی را اسکان داد.

ساختار جمله مجهول + حرف اضافه «توسط» از طریق ترجمه و از زبان‌های خارجی وارد زبان فارسی شده است. در زبان فارسی اگر قرار باشد نهاد در جمله بیاید، هیچ‌گاه نباید آن را پس از «توسط» و فعل جمله را مجهول آورد.

۵. ۱. دوری اجزای فعل مرکب. فعل‌های مرکب، دست کم دو جزء دارند: جزء فعلی یعنی جزئی که شناسه دارد و جزء اسمی که در واقع همان تکواژ یا تکواژهای مستقلی است که به جزء فعلی اضافه شده. یکی از ویژگی‌های فعل مرکب هم این است که نمی‌توان بین جزء اسمی و جزء فعلی آن تکواژهای نکره‌ساز و تفصیلی‌ساز، نشانه‌های جمع، صفت بیانی و مضاف‌الیه آورد.

یکی از اشکالات موجود در زبان مطبوعات همین است که کلمه یا کلماتی میان اجزای فعل مرکب فاصله می‌افکنند:

نادرست: موفقیت ایران در این پرونده بستگی به عوامل مختلفی دارد.

درست: موفقیت ایران در این پرونده به عوامل مختلفی بستگی دارد. ۱۶. کاربرد وجه وصفی. کاربرد نابه‌جای وجه وصفی و به‌ویژه افراط در آن از اشکالات رایج در برخی مطبوعات است. این کاربرد که عمدتاً از سبک نوشتار فارسی در قرون گذشته ناشی شده است، امروزه در زبان معیار فارسی جایگاهی ندارد.

نادرست: روغن را در ماهی‌تابه بزرگی ریخته و روی حرارت بگذارید. درست: روغن را در ماهی‌تابه بزرگی بریزید و روی حرارت بگذارید.

۱۷. فعل نامناسب. مقصود از فعل نامناسب، کاربرد نادرست افعالی مانند گردیدن، نمودن، می‌باشد، هست (به جای است)، منطبق نبودن زمان افعال با یکدیگر و کاربرد فعل در غیر معنی وضع شده و

مشهور آن است. نیز کاربرد افعال طولانی به‌جای افعال کوتاه و آوردن معین‌های نامناسب و وجه نامناسب و نظایر آن است:

«مرحله دوم اردوی تیم ملی کاراته جوانان و امید ایران ۲۵ اسفند در تهران برپا می‌شود.»

«بسیاری از نیازمندی‌های دفاعی خود را می‌توانند تهیه کنند.» در مثال اول فعل «برپا می‌شود» با بقیه جمله تناسب ندارد و باید به جای آن از «برگزار می‌شود» استفاده شود. در مثال دوم نیز فعل «تهیه کنند» معنای جمله را دچار اشکال کرده است. به‌جای آن می‌توان گفت: «رفع کنند» یا «برطرف کنند.»

فعل‌های کمکی نیز کاربرد و حوزه معنایی خاصی دارند، ولی امروزه استفاده نادرست از برخی از این افعال یا استفاده از آن‌ها به‌جای هم در زبان فارسی و حتی زبان نوشتاری رسمی رایج شده است که طبق قواعد زبانی غلط محسوب می‌شود و باید از کاربرد آن‌ها در زبان مطبوعات پرهیز کرد:

«ارتباط برقرار شده با همکارمان در محل نمایشگاه بین‌المللی تهران و ان‌شاءالله سعی می‌کنیم آخرین اخبار و اطلاعات این نمایشگاه را در خدمت شما باشیم.»

در جمله فوق، فعل «باشیم» کاملاً نادرست به کار رفته است. شکل صحیح جمله فوق می‌تواند چنین باشد: «... سعی می‌کنیم آخرین اخبار و اطلاعات این نمایشگاه را در اختیار شما قرار دهیم.»

پربسامدترین غلط‌های رایج در مطبوعات و چگونگی پرهیز از آن‌ها

۲. اسم

۲.۱. کاربرد اسامی بیگانه. قرض‌گیری زبانی (linguistic borrowing) به دلایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، اقتصادی، تاریخی، پیامدبرخوردها، تماس‌ها، آمیزش‌های مسالمت‌آمیز

یا قهرآمیز جوامع انسانی با یکدیگر رخ می‌دهد. رایج‌ترین نوع قرض‌گیری، «واژگانی» است که نتیجه مستقیم‌ترین و فوری‌ترین تماس هاست. این فرایند از گذشته وجود داشته، لیکن در سده‌های اخیر سرعت بیشتری به خود گرفته است.

۲.۲. کاربرد نشانه‌ها و قواعد عربی. برخی از نشانه‌های خاص کلمات عربی که نباید با کلمات فارسی به کار رود.

۲.۳. استفاده از صفت نامناسب، نبود تناسب میان صفت و موصوف از مهم‌ترین مصادیق صفت نامناسب است:

نادرست: جاده سریع

درست: جاده پرکشش

همچنین در خبرنویسی مطبوعات باید تا جایی که ممکن است از به کار بردن صفاتی که نشان‌دهنده ارزش‌گذاری روزنامه‌نگار بر رویدادها یا پدیده‌هاست، پرهیز شود. خبری که حاوی صفت یا شعار باشد از ارزش مطلب می‌کاهد. صفات سنجشی را فقط در صورتی که منابع خبری گفته باشند، آن هم به نقل از خود آن‌ها می‌توان بیان کرد. در جمله‌های زیر نیز صفت سنجشی به کار رفته که از مصادیق صفت نامناسب است:

«در تصادف وحشتناک اتوبوس و کامیون ۳۵ نفر کشته شدند.»

که می‌توان آن‌ها را به شکل صحیح، این‌گونه نوشت:

«در تصادف اتوبوس و کامیون، ۳۵ نفر کشته شدند.»

۲.۴. ضمایر نامناسب. ضمیر، از نظر شخص، افراد و جمع، ذی روح و غیر ذی‌روح بودن، به کار رفتن برای انسان و غیرانسان و... باید با مرجع خود تناسب داشته باشد. گاهی نیز به دلیل ابهام در کاربرد ضمیر، مرجع آن در جمله مشخص نیست. مثلاً در جمله «علی به حسن گفت که پدرش از سفر برمی‌گردد.» مشخص نیست که ضمیر «ش» به پدر علی بازمی‌گردد یا پدر حسن.

۲.۵. قید نامناسب. کاربرد نامناسب قید معمولاً به شکل‌های زیر رخ می‌دهد:

– استفاده از قید تأکید زمانی که تأکیدی در کار نباشد، مانند: «البته امروز هوا بارانی است»؛

– کاربرد قیدهایی بلند به جای قیدهایی کوتاه؛

– کاربرد قیدهایی که با معنای جمله همخوانی ندارد؛

– کاربرد قیدی که با معنای جمله همخوانی ندارد؛

– کاربرد قید در غیر جایگاه دستوری خود مثلاً به جای اسم یا صفت؛

– مقایسه کلی نشریات از نظر کاربرد نادرست اسم.

۳. اشکالات مربوط به کاربرد حرف

۳.۱. حرف اضافه زائد. اشکال در استفاده از حرف اضافه، از مهم‌ترین

اشکالات زبانی محسوب می‌شود که در زبان مطبوعات هم نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود.

به کار بردن حرف اضافه «به عنوان» به همراه فعل‌های «شناخته شدن»، «شمرده شدن»، «محسوب شدن» و افعال هم معنی آن‌ها. این غلط ناشی از ترجمه «as» است که در زبان انگلیسی به همراه افعالی معادل فعل‌های یاد شده به کار می‌رود، اما در ترجمه آن به فارسی معمولاً می‌توان «as» را از ترجمه ساقط کرد؛ بدون آن که لطمه‌ای به معنا بخورد.

نادرست: عمارت عالی‌قاپو به عنوان یکی از آثار فرهنگی مهم این شهر به حساب می‌آید.

درست: عمارت عالی‌قاپو یکی از آثار فرهنگی مهم این شهر به حساب می‌آید.

برخی «به عنوان» را با فعل ربطی نیز به کار می‌برند و جمله سه جزئی با مسند را به سه جزئی با متمم (با فعل ربطی) تبدیل می‌کنند.

نادرست: گلستان به عنوان یکی از آثار مهم سعدی است.

درست: گلستان یکی از آثار مهم سعدی است.

۳.۲. حرف اضافه نامناسب. حرف اضافه، بر وابستگی متمم فعل به فعل یا جانشین فعل دلالت دارد. متمم فعل، اگر مفعول صریح باشد،

حرف اضافه نمی‌خواهد. برای هر فعلی، حرف اضافه معینی مناسب است. برای برخی افعال، بیش از یک حرف اضافه مناسب وجود دارد و فعل با هر یک از آن‌ها معنای دیگری پیدا می‌کند: مثلاً «پرداختن به...» به معنی «مشغول شدن به...» و «پرداختن از...» به معنی «فارغ شدن از...» است [سمیعی، ۱۳۷۵: ۱۶۲].

موارد زیر از کاربرد نامناسب حرف اضافه در مطبوعات بررسی شده، دیده شده است:

نادرست: با وجود تلاش بازیکنان این تیم، تیم بارسلونا بازی را برای حریف واگذار کرد.

درست: ... بازی را به حریف واگذار کرد.

نادرست: اجساد متعلق به یک زن و مرد آمریکایی در یک خانه مسکونی در ایالت ویرجینیا کشف شد.

درست: اجساد یک زن و مرد آمریکایی در یک خانه مسکونی...

نادرست: ماجرای فروش محصولات خانگی را می‌توان تنها به عنوان قدم‌های کوچک برای رسیدن به چنین موفقیتی دانست.

درست: ماجرای فروش محصولات خانگی را می‌توان تنها قدم‌های کوچک برای رسیدن به چنین موفقیتی دانست.

توضیح این که مورد اخیر استفاده از «به عنوان» همراه با فعل‌هایی نظیر «دانستن، به‌شمار آوردن، محسوب شدن و...» یکی از خطاهای بسیار رایج در زبان فارسی و زبان مطبوعات است که لازم است برای رفع آن دقت کافی صورت گیرد.

۳.۳. عطف نامناسب

نادرست: در سال‌های نود، سینمای ایران و هنر به مفهوم عام تولدی دوباره پیدا کرد.

درست: در سال‌های نود سینما و هنر ایران دوباره متولد شد.

۳.۴. حذف حرف اضافه

نادرست: در نتیجه خواننده از تحولات پس و پیش وقایع مورد بحث آگاهی یابد.

درست: در نتیجه خواننده از تحولات پس و پیش از اتفاق‌های مورد بحث آگاهی یابد.

۳.۵. حرف ربط زائد. یکی دیگر از اشکالات مربوط به کاربرد حروف، استفاده از حرف ربط مزدوج زائد است. به کار بردن «اگرچه... اما»، «هرچند... ولی» و مانند آن‌ها همراه هم در یک جمله (که در مقوله حشو نیز قرار می‌گیرند) از جمله این اشکالات است.

نادرست: هرچند اروپا دارای منابع زیرزمینی از قبیل معادن زغال‌سنگ و نفت در دریای شمال است، اما این منابع تکافوی صنایع عظیم این قاره نمی‌کند.

درست: اروپا منابع زیرزمینی از قبیل معادن زغال‌سنگ و نفت در دریای شمال دارد، اما این منابع برای صنایع عظیم این قاره کافی نیست

۳.۶. «را»ی نابه‌جا. به کار بردن «را» پس از فعل از پربسامدترین غلط‌هایی است که در سال‌های اخیر در کاربرد زبان معیار دیده می‌شود. «را» نقش نمای مفعولی است و باید بلافاصله پس از گروه اسمی‌ای که نقش مفعولی دارد به کار رود. به کاربردن «را» پس از گروه فعلی، غلط و نامعیار است [نجفی، ۱۳۷۵: ۶۳-۱۵۹]. گذشته از این جنبه دستوری، خواندن متنی که در آن پس از فعل، «را» به کار می‌رود، دشوار است؛ زیرا به فاصله اندکی دو مکتب در عبارت به‌وجود می‌آید: یک مکتب پس از فعل و مکتب دیگر پس از «را». بسامد کاربرد این الگو بیش از سایر الگوهای نامعیار مربوط به حروف است.

اما نکته مهمی که در خصوص نقش نمای «را» باید مطرح شود و کمتر به آن توجه می‌شود، افراط در جابه‌جا کردن «را» است. در مواردی مفعول جمله دارای وابسته‌هایی همچون قید است که طبیعتاً باید در کنار مفعول قرار گیرند و «را» بعد از آن‌ها بیاید، اما برخی نویسندگان و ویراستاران مطبوعات، با تصور این که در این جا هم باید «را» حتماً به مفعول بچسبند، آن را جابه‌جا می‌کنند:

«پلیس این کشور افراد دستگیر شده در مرزهای شمالی در دسامبر

گذشته را هنوز هم آزاد نکرده است.»

عبارت «افراد دستگیر شده در مرزهای شمالی در دسامبر گذشته» به تمامی مفعول است و «را» به درستی بعد از آن آمده است. همین جمله در یکی از مطبوعات به این صورت آمده است:

«پلیس این کشور افراد دستگیر شده را در مرزهای شمالی در دسامبر گذشته، هنوز هم آزاد نکرده است.»

پیداست که این شکل از جمله، هم از نظر دستوری غلط است و هم از نظر معنایی ابهام دارد.

۳.۷. حذف را

نادرست: واقعیت اسلام و تشیع اگر تنها و تنها یک نفر فهمیده باشد کسی نیست جز همام بن عباد بن خثیم که یکی از اصحاب حضرت امیر علیه السلام بود.

درست: واقعیت اسلام و تشیع را اگر تنها و تنها یک نفر فهمیده باشد کسی نیست جز همام بن عباد بن خثیم که یکی از اصحاب حضرت امیر علیه السلام بود.

۳.۸. «را»ی زائد

نادرست: از این رو، این هشدار را به خانم‌های جوانی که بیش از حد به افزایش وزن خود حساسیت نشان می‌دهند، می‌دهیم.

درست: از این رو، به خانم‌های جوانی که بیش از حد به افزایش وزن خود حساسیت نشان می‌دهند، هشدار می‌دهیم.

۳.۹. حرف ربط نامناسب

نادرست: او در راند سوم با این که تا دقایق پایانی از ووشوکار ژاپنی پیش بود و پیرویش محرز به نظر می‌رسید، با رأی ناعادلانه سه داور از پنج داور حاضر مبارزه را به حریف واگذار کرد تا تعجب دیگر کشورها نیز برانگیخته شود.

درست: او در دور سوم تا دقیقه‌های پایانی از ووشوکار ژاپنی پیش بود و به نظر می‌رسید پیروز شود، ولی با رأی ناعادلانه سه داور از پنج

داور مسابقه در میان تعجب همگان، مبارزه را باخت.

۳.۱۰. حذف ربط

نادرست: دو برادر دارد، یکی مهندس شیمی و دیگری مهندس صنایع...

درست: دو برادر دارد، یکی از آن‌ها مهندس شیمی و دیگری مهندس صنایع است.

نادرست: اگر نسل دوم مدیران نظام اسلامی با همدلی و همفکری بخواهند کارهای عقب‌افتاده را پایان برند.

درست: اگر نسل دوم مدیران نظام اسلامی بخواهند با همدلی و همفکری کارهای عقب‌افتاده را به پایان برند.

مشکلات ویرایش بلاغی در زبان رسانه‌ها

۱. تعابیر نامناسب

منظور از تعابیر نامناسب موارد زیر است:

۱.۱. تعابیر کلیشه‌ای که براساس کثرت تکرار و بدون تفکر به صورت قالبی در زبان به کار می‌رود. این کاربرد اغلب نازیبا و گاه مبتذل نیز هست، مثال: به عنوان، برحسب، زیر سؤال بردن، نسبت به، عدم، در این راستا، و...

۱.۲. تعابیر متکلفانه که ناشی از فضل‌فروشی یا تظاهر به ادبی‌نویسی، کاربرد تعابیر پیچیده و دور از هم و شاخ و برگ دادن بی‌مورد است.

ترکیبات نامناسب مثل «ادای نماز» به جای «خواندن نماز»، «ظرفیت» به جای «امکانات»، کاهش پیشرفت، و...

۲. تعابیر ناقص

گاه بر اثر شتاب‌زدگی در نوشتن یا ایجاز غیرمجاز و اختصار نویسی بی‌مورد باعث می‌شود برخی از اجزای یک ترکیب حذف شود که نتیجه

طولانی بودن جملات
مطبوعات، با ویژگی‌های مطلوب
زبان رسانه تناسب ندارد. برخی از
ساختارهای رایج در زبان نوشتار
همچون جملات معترضه و بلند و
ساختارهای طولانی نباید در
زبان مطبوعات به کار روند

ممکن است در نگاه اول به نظر برسد بسیاری از این عناصر زبانی در مقوله حشو جای می‌گیرند و باید از زبان مطبوعات حذف شوند، اما باید به این نکته هم دقت کرد که این کلمات و عبارات، گاهی بار معنایی خاصی دارند و برای ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف کلام به کار می‌روند.

باید توجه داشت که مطلب فوق، در تمام موارد صدق نمی‌کند. از آن جمله پدیده‌ای زبانی است که به «درازنویسی» شهرت یافته است و در آن، تحت تأثیر عواملی چون گرایش به ادبی‌نویسی با استفاده از افعال و اصطلاحات کلیشه‌ای، مطلبی که می‌توان آن را در چند کلمه محدود بیان کرد، با عبارات طولانی بیان می‌شود. برای مثال خوانندگان مطبوعات، از بین دو گروه فعلی «به مرحله اجرا درآوردن» و «اجرا کردن»، دومی را راحت‌تر و سریع‌تر درک خواهند کرد.

مطالب مطبوعات را باید با جمله‌های کوتاه و رسا به صورتی نوشت که قابل فهم و درک باشد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درک مفاهیم هر جمله با تعداد واژه‌های آن رابطه معکوس دارد. هرچه تعداد واژه‌های یک جمله کمتر باشد، درک مفهوم آن آسان‌تر است. روزنامه‌نگار باید به‌ویژه در مطالبی چون خبر، از نوشتن جمله‌های طولانی و مرکب خودداری کند، زیرا چنین نوشته‌ای نه تنها به آسانی قابل فهم نیست، بلکه خواننده را خسته و او را از خواندن خبر دلسرد می‌کند (بدیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

آن نارسایی و نامفهوم شدن معنای جمله مورد نظر است که باعث می‌شود جمله مبهم گردد.

۳. تعابیر عامیانه

مقصود از تعابیر عامیانه برخی از تکیه کلام‌ها یا عبارات‌ها و جملاتی است که معمولاً در زبان گفتاری غیرمعیار به کار می‌رود. آمیختن زبان گفتار با زبان نوشتار دلیل اصلی کاربردهای عامیانه به‌شمار می‌آید؛ مثلاً تعابیری مانند «دست آخر»، به جای «در نهایت» و «سرانجام»، «وارد بودن» به جای «آشنا بودن» «الله‌بخنکی» به جای «به‌طور تصادفی»، «روده دراز بودن» به جای «پرگویی»، «واگیردار» به جای «واگیر» و...

۴. درازنویسی

طولانی بودن جملات مطبوعات، با ویژگی‌های مطلوب زبان رسانه تناسب ندارد. برخی از ساختارهای رایج در زبان نوشتار همچون جملات معترضه و بلند و ساختارهای طولانی نباید در زبان مطبوعات به کار روند. این مسئله به‌ویژه یکی از اشکالات رایج در زبان متن‌های خبری مطبوعات است که باید با تبدیل جملات طولانی به دو یا چند جمله کوتاه‌تر رفع شود.

در بسیاری از موارد، طولانی شدن جملات ناشی از کاربرد قیده‌ها، بدل‌ها یا جملات معترضه‌ای است که می‌توان آن‌ها را از ساختار جمله حذف کرد و در جملات جداگانه‌ای آورد.

البته گاهی طولانی شدن برخی از جملات، ناشی از کاربرد تکیه کلام‌ها و اصطلاحات خاصی است که امروزه دیدن آن‌ها برای مخاطبان مطبوعات، امری عادی شده است. عباراتی نظیر: «گفتنی است که»، «در همین حال»، «این در حالی است که»، «براساس همین گزارش»، «این گزارش همچنین حاکی است که» و... که می‌توان آن‌ها را عبارات کلیشه‌ای هم نامید، از این دست هستند.

۵. الگوهای بیانی بیگانه

مقصود از الگوهای بیانی بیگانه گرت‌برداری از الگوهای زبان بیگانه و تعمیم یا ترجمه تحت‌اللفظی یک ترکیب یا عبارت بیگانه در فارسی است. گرت‌برداری ممکن است واژگانی، معنوی یا نحوی باشد. در گرت‌برداری واژگانی ترجمه تحت‌اللفظی یک ترکیب به فارسی می‌آید مثل: «حساب کردن روی کسی»، «بی تفاوت»، «رنج کشیدن»، «حمام گرفتن» و...

در گرت‌برداری معنوی تنها یکی از معانی واژه در زبان مبدأ به دیگر معانی آن در زبان مقصد تعمیم داده می‌شود. مثلاً کاربرد «شرایط جسمانی» به جای «وضع جسمانی» و یا استفاده از «چهره» به جای «نماینده» در مثال زیر:

«حافظ از چهره‌های مشهور ادب فارسی است.»

در گرت‌برداری نحوی از ساخت جمله بیگانه در زبان مقصد الگوبرداری می‌شود. این نوع گرت‌برداری بیشتر در جمله اتفاق می‌افتد؛ مثل اغلب کاربردهای مجهول در زبان فارسی: «گلستان توسط سعدی نوشته شد»، «به جای سعدی گلستان را نوشت».

۶. جابه‌جایی ارکان جمله

طبق قواعد نحوی زبان فارسی، هر یک از اجزای جمله در زبان نوشتار جایگاه خاصی دارند؛ مثلاً در نوشتار هیچ‌گاه فعل در آغاز جمله نمی‌آید و یا در شرایط طبیعی، فاعل بر مفعول مقدم است. گاهی اشکالات موجود در زبان مطبوعات، ناشی از بی‌توجهی به همین قواعد است. نمونه‌های زیر در بخش‌های بررسی شده قابل توجه‌اند:

نادرست: وی گفت: نباید فراموش کرد که هر اثر هنری، اصلش از بدل آن بهتر است.

درست: وی گفت: نباید فراموش کرد که نسخه اصلی هر اثر هنری، بهتر از نسخه بدل آن است.



در جملهٔ زیر، جابه‌جایی ارکان جمله موجب شده است ساختار جمله به کلی غلط شود.

نادرست: زمان و تیم مذاکره‌کننده با آمریکا هنوز مشخص نیست.
درست: زمان مذاکره با آمریکا و ترکیب تیم مذاکره‌کننده هنوز مشخص نیست.

۷. تکرار

مقصود از تکرار، تکرار عین کلمات در یک جمله است بی آن که ضرورتی داشته باشد. تکرار اسم، حرف و قید یک عبارت از مصداق‌های تکرار به‌شمار می‌آیند. تکرار اغلب موجب درازی جمله و پیچیدگی آن می‌شود. در نثر مطبوعاتی نویسندگان اغلب بدون آن که خود متوجه شوند عبارتها و کلمات زیادی را بی آن که جمله به آن نیاز داشته باشد، به کار می‌برند؛ مثلاً:

نادرست: از قناد پرسیدیم: چرا بیشتر بازی‌هایتان، بازی‌های قدیمی و سنتی است؟

درست: پرسیدیم: چرا بیشتر بازی‌هایتان قدیمی و سنتی است؟

۸. مترادف‌نویسی

مقصود از مترادف‌نویسی آوردن عبارتهای مترادف و هم‌معنی در جمله است:

نادرست: ما بارها در این مورد صحبت کرده‌ایم اما همیشه بحث‌مان با سر و صدا و داد و بیداد خواهرم بی‌نتیجه و نصفه‌کاره مانده است.

درست: ما بارها در این مورد صحبت کرده‌ایم، اما همیشه بحث‌مان با داد و بیداد خواهرم بی‌نتیجه مانده است.

۹. حشو

منظور از حشو به کاربردن کلمات و عبارتهای زائد است که معانی

بیان شده همان کلمات و تعابیر را دوباره بیان می‌کنند. مثال: «سایر شهرهای دیگر»

در این جا حشو به معنی کاربرد دو کلمه است، در حالی که یکی از آن دو کلمه مفهوم دیگری را داشته باشد. چنان که در مثال «جنازه مرده» کلمهٔ جنازه فقط برای مرده به کار می‌رود و ذکر یکی از آن دو کافی است. نمونه‌هایی از حشوهای زبان فارسی چنین‌اند: «پیش‌بینی کردن از قبل»، «شب لیل‌القدر»، «سنگ حجرالاسود»، «ریسک خطرناک»، «تخته وایت‌برد»، «برعلیه»، «سؤال پرسیدن» و...

۱۰. مبهم‌نویسی

گاهی در نتیجهٔ جابه‌جایی اجزای جمله و نشانیدن سازه‌ها در جای نامناسب، اضافه کردن پی در پی کلمات به هم، معلوم نبودن مرجع ضمائر، آوردن افعالی که معانی دو پهلو دارند و عواملی از این دست در زبان مطبوعات، جمالاتی به کار می‌رود که مخاطب در درک و دریافت معنا و مفهوم آن‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شود. گاهی نیز در نتیجهٔ برخی عوامل فوق، جمله قابلیت انتقال دو مفهوم مختلف را دارد که حتی ممکن است با یکدیگر متضاد و یا متناقض باشند. بدیهی است که زبان بخش‌هایی از مطبوعات همچون خبر، خلاف برخی گونه‌های دیگر زبان از جمله زبان ادبی، باید صریح و روشن و عاری از هرگونه ابهام و پیچیدگی یا معانی دو پهلو باشد. امکان استنباط معانی مختلف یا خلاف مراد نویسنده از زبان را «کژتابی» می‌نامند. ابهام و کژتابی گاهی نیز ممکن است ناشی از کاربرد قید به صورت مبهم و یا حذف بدون قرینه برخی از ارکان جمله باشند.

نادرست: و آن را علت و مسبب بسیاری از تنش‌ها و مخالفت‌های جهانی از جمله مسائل هسته‌ای می‌دانند. (ابهام)

درست: ... و آن را علت بسیاری از تنش‌ها و مخالفت‌های جهانی با مسائل هسته‌ای می‌دانند.